

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

ترجمه و تلخیص: تحریریه سایت تدارک

۱۱ مارچ ۲۰۲۲

مازاد ۶۳۰ میلیارد دالری روسیه و گزینه قطع شریان انرژی به اروپا

بن لایدر، ستراتیژیست eToro می نویسد: این ترکیب زهر آگین خطرناک متشکل از تورم بالاتر، رشد اقتصادی کمتر و عدم اطمینان بیشتر، ضربه ای سه گانه به اقتصاد جهانی وارد می کند. تنها روزنه امید این است که میزان رشد بالا است که این ضربه گیری است برای هر رکودی و این که سرمایه گذاران و سیاستمداران خود را از قبل برای تورم بالا آماده کرده اند.

پرتال تخصصی اوپل پرایس (قیمت نفت) طی یادداشتی به موضوع تحریمهای گسترده غرب علیه روسیه و فقدان تحریم صنعت انرژی در میان آنها پرداخته است. نویسنده یادداشت البته نه تنها نگاه مثبتی به حمله روسیه به اوکراین ندارد، بلکه حتی آن را با تهاجم المان نازی به پولند و آغاز جنگ دوم جهانی مقایسه نیز می کند. با این حال یادداشت حاوی نکات قابل توجهی از قدرت دول غربی در تقابل اقتصادی با روسیه است. وی از جمله می نویسد:

*انبوه تحریمهایی که توسط قدرت های غربی پس از یورش روسیه به اوکراین اعلام گردید و یک فقدان چشم گیر: تحریم های صنعت انرژی

*علت این که قدرت های اروپایی نسبت به تصویب تحریم درباره صنعت گاز و نفت روسیه اکراه دارند این است که نیاز آنها به گاز طبیعی روسیه بیشتر از نیاز روسیه به پول آنهاست.

* به لطف نرخ های بالای انرژی، روسیه اینک ۶۳۰ میلیارد دالر ذخیره ارز خارجی در اختیار دارد، حجمی از پول که معنایش بقای روسیه پس از قطع کردن جریان (انرژی) به اروپاست.

تهاجم روسیه به اوکراین یکی از وخیم ترین بحران های امنیتی این قاره را در دهه های اخیر نشان می دهد و انتظار می رود که پیامدهای گسترده ای برای اقتصاد جهانی داشته باشد، به ویژه با توجه به موقعیت منحصر به فرد روسیه به عنوان تأمین کننده اصلی انرژی اروپا.

قیمت نفت خام و گاز با حمله روسیه به شهرهای بزرگ اوکراین در حال افزایش است و به سطوحی رسیده است که از سال ۲۰۱۴ مشاهده نشده است. معاملات آتی برنت در اوایل روز پنجشنبه ۸ درصد افزایش یافت و در یک نقطه به بالای ۱۰۵ دالر در هر بشکه معامله شد. ، در حالی که معاملات آتی WTI (وست تگزاس اینترمدیت West Texas Intermediate نوعی نفت سبک است که به عنوان محک یا شاخص برای قیمت گذاری نفت در بازارهای

جهانی استفاده می‌شود. دلیل اصلی این نام‌گذاری آن است که این نفت سبک در غرب تگراس استخراج می‌شود) با حاشیه مشابه افزایش یافت و حتی در یک نقطه به ۱۰۰ دالر در هر بشکه رسید.

نظر به این که روسیه سومین صادر کننده نفت و دومین صادر کننده گاز جهان است، بازارها از پیش در حال آماده کردن خود برای پیامدهای این وضعیت بودند. روسیه ۱۰ درصد از نفت جهان را تولید می‌کند و بزرگترین تأمین کننده گاز طبیعی اروپاست.

بن لایدلر، ستراتیژیست eToro می‌نویسد: این ترکیب زهر آگین خطرناک متشکل از تورم بالاتر، رشد اقتصادی کمتر و عدم اطمینان بیشتر، ضربه‌ای سه‌گانه به اقتصاد جهانی وارد می‌کند. تنها روزنه امید این است که میزان رشد بالا است که این ضربه‌گیری است برای هر رکودی و این که سرمایه‌گذاران و سیاستمداران خود را از قبل برای تورم بالا آماده کرده‌اند.

لایدلر می‌گوید خطرات اختلال در عرضه کم است و خاطرنشان می‌کند که روسیه در طول جنگ سرد نیز به طور قابل اطمینانی غرب را تأمین کرده است با این حال، او قیمت بالاتری را برای کالاها و برای مدت طولانی‌تر پیش‌بینی کرده است، که «صرف ریسک» (Risk premium) در علوم مالی به بهره اضافی و بهائی که بابت ریسک از سوی سرمایه‌گذاران، با در نظر گرفتن میزان ریسک اوراق بهادار و درجه ریسک‌پذیری سرمایه‌گذار پرداخت می‌شود، صرف ریسک می‌گویند) فعلی نفت هم آخرین محرک برای یک بازار ساختاری بسیار تنگاتنگ است.

البته همه چنین خوش بین نیستند. تحلیلگران گروه یوراسیا به سی‌ان‌بی‌سی اظهار داشته‌اند که «در حالی که دولت‌های غربی احتمالاً مبادلات انرژی را از تحریم‌ها مستثنی خواهند کرد، طوفان محدودیت‌های جدید بسیاری از تاجران را وادار خواهد کرد تا در حمل و نقل بشکه‌های روسیه بسیار محتاط باشند. ترانزیت گاز اوکراین احتمالاً مختل خواهد شد و بر عرضه به چندین کشور اروپای مرکزی و شرقی تأثیر می‌گذارد و افزایش خواهد یافت. بهای گاز در کل اروپا افزایش می‌یابد».

بستن شیرهای گاز

سؤال بسیار مهم و دشوار در اینجا این است که اگر روسیه کاری دور از ذهن انجام دهد و به طور کامل عرضه گاز به اروپا را قطع کند، چه اتفاقی می‌افتد؟

هر چه باشد، برای چندین ماه، روسیه مکرراً **متهم به ایجاد اختلال** در عرضه گاز به منظور افزایش نقش خود به عنوان تأمین کننده اصلی انرژی اروپا در بحبوحه تشدید اختلافات با اوکراین شده است. دو ماه پیش، قیمت گاز طبیعی اروپا پس از این که خط لوله‌ای که گاز روسیه را به آلمان می‌رساند، به شرق تغییر مسیر داد، به بالاترین حد خود رسید.

جریان گاز به سمت غرب از طریق خط لوله یامال-اروپا به طول ۲۶۰۷ مایل، یکی از مسیرهای اصلی گاز روسیه به اروپا، به تدریج کاهش یافته است، اقدامی که کرملین می‌گوید هیچ پیامد سیاسی ندارد. سیاستمداران غربی ادعا می‌کنند که روسیه از گاز طبیعی خود به عنوان سلاحی در کشمکش‌های سیاسی مرتبط با اوکراین و همچنین تأخیر در صدور گواهینامه خط لوله بحث برانگیز دیگر، «نورد استریم ۲» استفاده کرده است. البته روسیه هرگونه

ارتباطی با این موضوع را رد و تأکید کرد که شرکت دولتی گازپروم به تعهدات قراردادی خود در قبال مشتریان عمل کرده است.

این موضوع باعث نشده است که بسیاری از تحلیلگران انرژی به شدت نگران خطر قطع کامل عرضه به اتحادیه اروپا نباشند - که تقریباً ۴۰ درصد گاز خود را از طریق خطوط لوله روسیه دریافت می کند - که تعدادی از آنها از اوکراین عبور می کنند.

در واقع، روسیه موقعیت بسیار مناسبی دارد تا چنین حرکت اهریمنانه ای را اجرائی کند بنا به نظر دیوید فرام نویسنده آتلانتیک و مؤلف «آخر الزمان ترمپی: احیای دموکراسی امریکائی» (۲۰۲۰)؛ یورش روسیه به اوکراین به نحو وسیعی توسط نرخ بالای انرژی و به ویژه روند رو به افزایش بهای گاز طبیعی مورد مساعدت قرار گرفته است. فرام یاد آوری می کند که قیمت گاز روسیه در جون ۲۰۲۱ بیش از افزایش سه برابری و رسیدن به ۳۰ دلار در میلیون متر BTUs (واحد اندازه گیری مقدار گاز برای افزایش حرارت مقدار معینی از آب. هر میلیون متر BTU معادل ۲۶.۴ متر مکعب گاز است) از مرز ۱۰ دلار در میلیون متر گذشته بود. افزایش سریع نرخ انرژی روسیه را در دستیابی به ذخیره ارزی خارجی ۶۳۰ میلیارد دلاری ایی که ۴۲ درصد از تولید ناخالص ۵.۱ تریلیارد دلاری تولید ناخالص داخلی (GDP) را تشکیل میدهد، یاری رسانده است. با آن منابع مالی عظیم، روسیه در صورت تمایل می تواند بازارهای انرژی جهان را ویران کند، و بازارهای گاز طبیعی احتمالاً بیشترین ضربه را خواهند دید زیرا جایگزین کردن گاز بسیار مشکل است. در تئوری، خط لوله گاز روسیه می تواند تا حدی با گاز طبیعی مایع از ایالات متحده، قطر یا سایر تأمین کنندگان جایگزین شود. متأسفانه، افزایش تولید و حمل و نقل LNG به نحوی سریع بسیار دشوار است.

طبق گفته کاترینا فیلیپینکو، تحلیلگر اصلی تحقیقات گاز اروپا در وود مکنزی، "اگر همه جریان گاز امروز قطع شود، اروپا در کوتاه مدت ممکن است با توجه به ذخیره سازی بالاتر و تقاضای کم در تابستان به مشکلاتی برخورد کند. اما در صورت اختلال طولانی مدت موجودی گاز را نمی توان در تابستان بازسازی کرد. ما با وضعیت فاجعه باری مواجه می شویم یعنی ذخیره سازی گاز در زمستان آینده نزدیک به صفر می رسد و قیمت ها بسیار بالا خواهد رفت. صنایع به طور قطع تعطیل می شوند. تورم بالا خواهد رفت. بحران انرژی اروپا می تواند باعث رکود جهانی شود."

تروی وینسنت، تحلیلگر ارشد بازار در DTN Markets، با دیدگاه فیلیپینکو موافق است و به CNBC گفته است که "بسادگی هیچ جایگزینی" برای حجم نفت و گاز روسیه "که قیمت های بسیار بالاتر و به طور بالقوه ایجاد کمبود شدید را در پی نداشته باشد" وجود ندارد. " پوتین البته بخوبی از این موضوع آگاه است و می تواند از نفت و گاز به عنوان آسی در دست مسکو در این درام در حال وقوع استفاده کند.

جزئیات مورد اشاره در مقاله مزبور البته تماماً از دیدگاهی نوشته شده اند که روسیه را در جدال بر سر تحویل گاز مقرر جلوه دهند. واقعیت این است که روسیه در تداوم سنتی که از زمان اتحاد جماهیر شوروی بدان متعهد مانده است، همواره به تعهدات خود وفادار مانده و تاکنون آن را عملی کرده است. این تعهد حتی در بدترین دوره های جنگ سرد نیز نقض نشد و اتحاد شوروی به تعهدات خود در قراردادهای نفتی عمل کرد. در سالهای اخیر نیز این روسیه بود که بر عقد قراردادهای دراز مدت تأکید داشت. حتی اگر در این قراردادها گاز به قیمت بسیار پائین تری

به فروش می‌رسید. نفع روسیه در این بود که از این طریق هم پیوندهای اقتصادی با ثبات تری با بازارهای اروپا ایجاد می‌کرد و هم از درآمدهای قابل اتکائی برخوردار بود که برنامه‌ریزی درازمدت تری را امکانپذیر می‌نمود. در مقابل این کشورهای اروپائی بودند که در تداوم مسیر لیبرالیزه کردن بازارها و به امید دستیابی به انرژی ارزان‌تر از طریق دامن زدن به رقابت بین تولیدکنندگان گاز، از عقد قراردادهای درازمدت خودداری نموده و تعیین قیمت گاز را به مکانیسمهای بازار آزاد واگذار نمودند. به طور مشخص المان در طمع کاهش هزینه‌ها حتی بخشی از مخازن ذخایر گازی خود را به گازپروم روسیه فروخت. امری که با پایان دوران قرنطینه‌های ناشی از کرونا و اوجگیری مجدد فعالیت اقتصادی بنگاهها از یک سو و اقدامات دوراندیشانه چین و کشورهای آسیائی در عقد قراردادهای درازمدت خرید گاز، ناگهان اروپا را در مقابل یک بازار گاز گران قیمت قرار داد.

این که روسیه اکنون و در پرتو تشنجهای روزافزون در روابط با غرب همچنان به تعهدات خود پایبند بماند امری است که شاید دیگر محتمل نیز نباشد. اما یک چیز قطعی است. اروپا بدون انرژی دریافتی از روسیه به سمت زوال خواهد رفت در حالی که روسیه هم در نتیجه افزایش قیمت گاز و هم با اتکاء به مشتریان گاز در بازارهای آسیا زیان به مراتب کمتری را تحمل خواهد کرد. حتی تحریم بانک مرکزی روسیه نیز تنها در نگاه اول است که به روسیه ضربه‌ای جدی وارد خواهد کرد. باز گذاشتن کانالهای متعدد پرداخت پول گاز به روسیه در دل تحریمهای اعمال شده کنونی دقیقاً ناشی از همین آسیب‌پذیری اروپا است. در حقیقت تحریمهای کنونی اروپا راه را برای خرید انرژی از روسیه و پرداخت آن با دالر باز گذاشته‌اند در حالی که راه را بر هزینه کردن آن دالره‌های دریافتی از سوی روسیه می‌بندند. پرسش اصلی در این زمینه این است که آیا در صورت جلوگیری از هزینه کردن این دالره‌های دریافتی، روسیه همچنان به تعهدات خود پایبند خواهد ماند یا نه.

۲۴ فبروری ۲۰۲۲

<https://oilprice.com/Energy/Energy-General/Russia-Has-630-Billion-To-Spare-As-It-Considers-Cutting-European-Gas-Flows.html>